

«پیش بینی آب و هوا»

درمیان عشایر و روستائیان سیرجان و بافت و «میمند»^۱ شهر بابک

پیش بینی باران و پیش بینی سال از نظر میزان بارندگی و آب و علف، از دیرباز مورد توجه مردم جهان و منجمه مردم میهن ما بوده است.

در این میان دارندگان برخی از پیشه ها، مسافران، و به ویژه دامداران و کشاورزان به این مسئله بیشتر توجه و علاقه داشته اند.

کمبود آب و میزان بارندگی در بیشتر مناطق ایران، رواج کشت دیم و متکی بودن به نزولات جوی، وجود و گسترش زندگی کوچ نشینی، به این شاخه از دانش عوام در میهن ما اهمیت بیشتری داده است.

بدیهی است که دانش هواشناسی عامیانه شامل تجربیات چند هزار ساله همراه با تخیل و پندارگرائی است. اما تاجائی که نگارنده خود مشاهده کرده و دانسته است، در این میان کفه تجربه سنگین تر از کفه تخیل و پندار است.

الف: پیش بینی باران^۲

منظور از پیش بینی باران، پیشگویی قریب الوقوع بارندگی است - از یک ساعت تا چند روز آینده - براساس پدیدارشدن حالت های مساعد و نشانه هائی که از نظر روستائیان و عشایر قدیمی منطقه شناخته شده است.

۱- غبارآلود بودن ستاره ها

اگر ستاره ها غبارآلود باشند و مانند همیشه درخشندگی نداشته باشند، باران خواهد آمد. (ایل شول)

۲- آفتونشون؛ آفتونشون کردن ~ kerdan - Aftô - nešun;

در ایل «بچاقچی» و «افشار» معتقدند، اگر هنگام غروب آفتاب، ابر و غبار سه رنگی به رنگ قوس و قزح، دورخورشید و یا در کنار آن دیده شود، گویند: «آفتونشون کرده.» باران خواهد آمد.

۱- روستای تاریخی وزیبا و شکفت انگیز «میمند»، با ۳۵۰ دستگاه ساختمان سنگی در دل صخره و با مسجد و حسینیه و حمام کنده شده از سنگ، یکی از نادر روستاهای ایران است که تاریخ چند هزار ساله را در خود نگاه داشته است. میمند در ۳۶ کیلومتری شرق «شهر بابک» واقع شده و در سال ۱۳۵۶ جمعیت آن ۲۵۰۰ تن بوده است. درباره «میمند» نگاه کنید به:

الف - دکتر پوراندخت خلیل بیحوی. «روستای میمند». بررسیهای تاریخی. ۱۳، ۱. ص ۱۴۳ - ۱۷۴.

ب - غلامعلی همایون. «پژوهشی درباره روستای میمند». بررسیهای تاریخی. س ۷. ش ۶. ص ۱۲۱ - ۱۵۲.

ج - غلامعلی همایون. «فلسفه معماری صخره ای و تمرکز در روستای میمند کرمان». فرهنگ معماری. ش ۱.

فروردین ماه ۱۳۵۴. سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران. ص ۶۵ - ۷۸.

۲- این گفتار بخشی از نوشته ای است به نام «فرهنگ آب و هوایی در سیرجان و چند شهر پیرامون آن» که قسمت هائی از آن در ماهنامه فرورهر، ش ۶ - ۱۰ (آبان - آذر ۶۲) و در ماهنامه آینده، ش ۱ - ۳ (فروردین - خرداد ۶۴) به چاپ رسیده است.

۳- بغل روز نشان زدن

همان. (کرآن) «روز» به معنای خورشید است.

۴- پیش روز گل زدن

همان. (میمند) معتقدند، اگر طرف چپ گل بزند باد می آید و اگر طرف راست پیش روز گل بزند، باران.

۵- دوپک شدن ابر

در ایل «قرائی» سیرجان معتقدند: اگر در زمستان، ناگهان ابر در وسط آسمان «دوپک - Do-pak» (دوپاره) شود. بارندگی زیاد و هوا سرد خواهد شد. اگر این اتفاق در چلهٔ بزرگ زمستان به وجود آید، گوسفندان و به ویژه عشایر شدیداً نگران می شوند. و در این موقع به شوخی و یا جد می گویند: «ای کاش شکم مادرم می درید و وسط آسمان نمی درید.»

۶- گوش زدن میشها

در طایفهٔ میرزاحسنی ایل «لری» سیرجان معتقدند، اگر میشها گوش بزنند، یعنی سرشان را به نحوی حرکت دهند که گوشهایشان به هم بخورد و صدا کند، بارندگی می شود. در «باغ مبد» سیرجان گویند: اگر میشها گوش بزنند و خود را بتکانند، تا دوسه روز دیگر باران می آید. «پسینی میش گوزل^۳ می زنه گوش دلم از بهر دلبر می زنه جوش.»

۷- ته آسمون سفید کردن

در عزت آباد قلعه سنگ و روستای خسروی سیرجان معتقدند، اگر بارندگی شدید باشد و جنوب آسمان و یا مغرب آن سفید شود و ابر سفید بالا بیاید و در دل آسمان جا بگیرد، گویند، «ته آسمان سفید کرده» و باران تمام خواهد شد. «ته آسمون سفید کردن» کنایه از تمام شدن و یا نابود شدن چیزی است. «اومدو به وخ ته آسمون پدرت سفید کرد، اووخ چه خاکی توست می کنی.»

۸- در بندانی کردن ~ Darbandâni

در ایل «لری»، اگر در زمستان که گوسفندان در آغل هستند، شروع کنند به خوردن چوبها و بوته های اطراف آغل، گویند: «گوسفندها در بندانی می کنند.» و معتقدند فردا یا برف و باران می آید و یا باد بسیار سرد می وزد.

۹- گوربند شدن باران

در طایفهٔ کورکی از ایل «قرائی» معتقدند: «اگر هنگام به خاک سپاری مرده، باران به داخل قبر بیارد و گور بسته شود، باران نیز بسته و «گوربند» می شود. برای اینکه باران «گوربند» نشود، چادری روی گور می کشند تا باران در آن نیارد.

۱۰- لمدورافتادن ~ Lamdur

در طایفهٔ میرزاحسنی ایل «لری» گویند: اگر در غروب «لمدور بیفته» (مه بنشیند)، چه بر کوه و چه بر دشت، حتماً باران خواهد آمد. و «لمدور» علامت پایان بارندگی است.

۳- به میش سفیدی که گوشهایش بلند و پوزه اش سیاه باشد، «گوزل - Guzal» گویند.

در «خبر» بافت معتقدند: اگر کندور دور تا دور و بالای کوه خبراً بنشینند، بارندگی ندارد، اما اگر کندور در دره‌ها پائین بیاید، باران خواهد آمد.

در «پاریز» نیز معتقدند وقتی مه پسین زمستان روی کوه «بادامو» بریزد، بارندگی خواهد شد و اگر صبح چنین شود، علامت باران ندارد.

در «میمند» گویند اگر مه روی زمین بنشیند، بارندگی تمام می‌شود.

۱۱- «سرخ و سوز» زدن Sorx - o sôz ~

در روستای «عزت آباد» و «خسروی» سیرجان معتقدند:

اگر «سرخ و سوز» (رنگین کمان) در طرف مغرب پدیدار گردد، باران زیادی خواهد آمد.

اگر «سرخ و سوز» یک سرش سمت قبله باشد و یک سرش سمت مشرق، بازهم باران خواهد آمد.

اگر «سرخ و سوز» در سمت مشرق و یا جنوب شرقی و شمال شرقی پدیدار گردد، باران «وامی دهد» (بند می‌آید).

اگر «سرخ و سوز» طرف مغرب، «کیمند» نباشد. (رنگین کمان به تمامی پدیدار نشود.) و اگر یک «تار-

Târ» (بخشی از رنگین کمان) باشد، باران کمتری خواهد آمد.

۱۲- وزش بادها و پیشگویی باران

باد قبله ابر را می‌برد، و باران را تمام می‌کند.

باد شمال در زمستان بارانی نیست، اما باران تابستانه ابرش و بادش از شمال می‌آید.

باد مشرق خود مرطوب نیست، اما ممکن است سبب توقف ابرهای قبله شده، و باران بیارد.

باد جنوب (گرمسیری) احتمال بارندگی دارد و باران زمستانی در سیرجان بادش از گرمسیر است.

باد شمال غربی به محض اینکه حرکت کرد، هر چه ابر روی آسمان باشد، برمی‌دارد و می‌برد.

باد مغرب ابر آور و باران را است.

در «خبر» معتقدند در زمستان اگر ابر از جنوب بیاید، بارندگی زیاد است. در تابستان ابری که از شمال بیاید، بارندگی دارد.

در ایل افشار گویند: «باد سده باران می‌آورد.» و نک به فصل «باد».

۱۳- رفتار سنگ و پیشگویی باران

در ایل «شول» بافت معتقدند: اگر سنگ طوری بخوابد که تنه‌اش داخل «پلاس» (سیاه‌چادر ایلی) باشد و سرش را بیرون بگذارد، بارندگی می‌شود.

در ایل «لری» گویند: اگر سنگ گله در بیابان بوته بزرگی را لگد کند و در وسط آن برای خود جای خواب درست کند، باران خواهد آمد.

در «باغ میند» سیرجان گویند: اگر سنگ بخوابد و سرش را زیر دمش بگذارد، «بارونی کرده است» و بارونی کردن سنگ نشانه باران است.

۱۴- روز نمایان به کوه رفتن

در «عزت آباد» و «خسروی» سیرجان معتقدند: اگر غروب روز بارندگی روز نمایان کوه نرود (خورشید آشکارا غروب نکند) دو باره باران خواهد آمد و اگر روز «نمایان کوه برود»، فردا بارندگی نخواهد شد.

۴- نام این کوه در یکی از ترانه‌های «سده سوز» آمده است. نک به: مقاله «سده سوزان» فروهر. ش دی - بهمن ۶۲.

۱۵- روزهای هفته و پیشگونی باران

باران اگر جمعه شروع کند بیایدن شنبه تمام می کند.
باران اگر شنبه شروع کند، تا پایان هفته ادامه دارد.

۱۶- قلندرو کردن ~ Qalandarū

اگر در بر خورد دانه های باران با آب، حباب (آبسوار) به وجود بیاید، می گویند باران ادامه دار است.

۱۷- ابر قبله و پیشگونی باران

در ایل «شول» بافت معتقدند:

ابر سیاهی که از سمت قبله می آید، باران دارد.

اگر آفتاب غروب کند، و ابر قبله از هم نپاشد، شب باران خواهد آمد.

در سیرجان، اگر بخواهند از وضع هوا مطلع شوند، به جانب «گورو - Gurō» (کوه و خورشید، مغرب) نگاه می کنند، اگر «گورو» ابری باشد، احتمال بارندگی بسیار خواهد بود.

۱۸- سی سالنگ و باران ~ Siselâlang

باز در ایل «شول» معتقدند:

اگر «سی سالنگ» (سقاهاک) «چنگ - Ceng» (نوک) به آب بزند، و رو به آسمان کند، باران

می بارد.

۱۹- رعد و برق و باران

اگر در بهار و تابستان، بارندگی با رعد و برق همراه باشد، رگبار است و ادامه نخواهد داشت.

۲۰- آغله بستن ماه

اگر ماه هاله ببندد، باران خواهد آمد.

اگر آغل بزرگ باشد می گویند باد و خاک می شود و اگر آغل کوچک باشد باران.

۲۱- خرمن کردن ماه

همان. در میمند گویند: «ماه خرمن کرده».

۲۲- دل دادن ابر

در «کران» سیرجان وقتی که ابر می آید پائین و افق شیری رنگ می شود، می گویند: «ابر دل داده به

زمین» و باران خواهد آمد.

۵- «سی سالنگ» یا «اودلیسکو - Ōdelisku» که نام علمی آن «دُم جنیانک» (Motacilla alba) می باشد. «... در کرمان «سیسالنگ - Siselâleng» و «سیسالنگو - Siselâlengu» و «اودالیسک - Ōdâlsik» و «اودالیسکو - Ōdâlisku» و در یزد «بازیار - Bâzyâr» و بازیارک - Bâzyârök» ... نامیده می شود.

(محمّد کیوان پورمکری. نامهای پرندگان در لهجه های کردی. ۱۳۲۶. انجمن ایرانشناسی، ص ۷۰.)

در کرمان معروف است، که اگر در هوای ابری از او بپرسند. «برف می آید یا باران؟» اگر برف بیاید، با سر اشاره می کند و جواب می دهد. و اگر باران بیاید با حرکت دُم آمدن باران را خبر می دهد. (منوچهر ستوده فرهنگ کرمانی. ص ۱۰۵ و ۱۰۶.)

۶- در سروستان گویند: اگر ماه خرمن زد، فردا هوا بارانی است. (صادق همایونی. فرهنگ مردم سروستان. تهران، ۱۳۴۹. ص

(۲۲۷.)

۲۳- کوله پشت راس کردن ابر

در ایل بچاقچی می گویند: اگر ابر از طرف جنوب «کوله پشت راس کنه» و نوک ابر سفیدرنگ باشد، بارندگی می شود. ابری که ضخیم به نظر می رسد «ابر کوله پشت» گویند و بالا آمدن چنین ابری را «کوله راس کردن» و یا «کوله راس کردن ابر گویند». نک به انواع ابر.

۲۴- گله شدن ابر

همان. در «خبر» بافت معتقدند: اگر زمستان ابر «کله -Kala» شد و سیاه بود، باران می بارد و اگر سفید بود، برف.

۲۵- ابر کله قندی

همان. ابری که ابتدایش همچون کله قند هرمی شکل باشد.

۲۶- ابر آسینی Aber - e ossini

همان.

۲۷- ابر سیخ شدن

همان. در این باره گویند: «آبرا که سیخ شن (راست شوند) تنبل پاخرمن دلش هُزُی تومی ریزد.»

۲۸- دود و کردن ابر

اگر ابر از دو جهت بالا بیاید، از جهت قبله و مشرق، می گویند. «ابرا دووردو کرده -Aber ado var dudokerda» و معتقدند اگر ابر «دودو -dudô» کند، هوا به شدت منقلب خواهد شد و باران شدیدی خواهد آمد. و در این هنگام احتیاط لازم را به عمل می آورند. مانند فرستادن به دنبال گله و غیره (دهنوسیرجان)

۲۹- نوو کهنه شدن ابر

اگر پس از مقداری بارندگی، باران بایستد و چنین به نظر برسد که ابرها در دو ارتفاع مختلف و در جهت مخالف در حال حرکت هستند، گویند ابرها نوو کهنه می کنند، بارندگی ادامه خواهد یافت. این حالت برای برف نیز صادق است. (میمند شهر بابک)

۳۰- گوش زدن الاغ

اگر الاغ زیاد گوش بزند، گویند باران خواهد آمد. (ایل بچاقچی)

۳۱- سُم ورسنگ

اگر گوسفند رو به قبله سُم بایستد و دستهای خود را بر روی سنگ بگذارد، معتقدند باران خواهد آمد. (ایل افشار)

۳۲- او او کردن روباه

اگر روباه «او او - ÔÔ» (عوعو) کند، گویند «او» (آب) می طلبد، باران خواهد آمد. و اگر روزه بکشد، زنی در آبادی خواهد مرد. (جوادیه پوزه خون سیرجان)

۳۳- چنگ زدن مرغها

اگر مرغها، «توپتا شون چنگ بزنند -Tupotašun ceng» (پرهایشان را نو نوک آجین کنند). معتقدند

یکی دوروز دیگر بارندگی می شود. (ایل بچاقچی)
به منقار پرندگان «چنگ - ceng» و به پَر و مو «پُت - pot» گویند.

۳۴- خاک بالا آوردن رمیز

اگر «رمیز - Remiz» که به آن «کِدوسَر - Kedu - sar» نیز می گویند، از سوراخش خاک بیرون بیاورد، باران می آید. (ایل افشار)
«رمیز» حشره ای است مانند مورچه، با سری بزرگ نسبت به تنه و به رنگ زرد و نارنجی.

۳۵- گِرناز، گِرناز Gernâz, Gerennâz

معتقدند، اگر در «چله بزرگ» زمستان «پایه صدا کند» (آسمان بفرود)، سال «گِرناز» شده و تا چهل روز بعد از آن باران نمی بارد. بنا به گفته یکی از فرزندانگان محلی «گِرناز» مخفف «گره انداز» به معنی گره افتادن در کار است.

اما همانطور که برخی از عشایر سیرجان از این کلمه می فهمند، «گِرناز» تحریفی از «کِرناز» مخفف (گره انداز) باید باشد. و این با معنی این حالت نیز نزدیک است. چرا که در واقع آسمان قبل از موعد مقرر صدا کرده است. تشبیه این پیش افتادگی با گره انداختن چهار پایان در یک فرهنگ دامداری طبیعی می نماید.^۷ مگر اینکه در اصل این دو واژه را دو اصطلاح جداگانه برای امری واحد به حساب بیاوریم.
از این گذشته، این واژه در برخی نقاط سیرجان «کُرناز» و «کُرناز» و بالاخره در کوهستان پاریز همان «کُرنداز» تلفظ می شود.

۳۶- کِرناز، کِرناز Kernâz, Kerrennâz

همان.

کِرنداز. Korendâz

همان. (پاریز)

ب - پیش بینی سال خوب و بد

در طایفه کورکی از ایل قرائی معتقدند: سال خوب سالی است که در «شیشه - Šiše» (۶ روز بعد از عید) و «ده شیشه - Dahšišē» (۱۶ روز بعد از عید) و «بیس شیشه» (۲۶ روز بعد از عید) و «سی شیشه» (۳۶ روز بعد از عید) و «چل شیشه» (۴۶ روز بعد از عید) و «پنجاشیشه» (۵۶ روز بعد از عید) آن باران بیارد.^۸
ولی به طور کلی، منظور از سال خوب، سالی است که بارندگی آن به اندازه و به موقع باشد، و منظور از سال بد، سال کم باران و بی آب و علف است.

۱- باران عقرب

معتقدند: اگر باران عقرب بیارد، سال خوب نمی آید.

۷- نزدیک به این معنی، اصطلاحی است که در روستاهای خمین برای این حالت دارند. «آسمان لَمَه انداخت - Āsomân-lomma endâxt» و «لَمَه» به تخم مرغ نرسیده که پوستش سخت نشده باشد گویند و این هم نوعی «گره انداختن»!

۸- درباره بارانهای «شیشه» و انواع دیگر باران و مسائل پیوسته با آنها، نک به: «باران در گویش و فرهنگ سیرجان و چند شهر پیرامون آن»، فروهر، ش ۶ و ۷ و ۱۰ (آبان و آذر و اسفند ۶۲).

۲- باران چله کوچک

معتقدند: اگر در «چله کوچک» بارندگی شود، سال خوب می شود. پس خطاب به «چله کوچک» گویند: «شب بیار و روز بیار، بهار نسوزه!»

۳- شبنم پس از نخستین باران «مهرجون»

اگر پس از اولین باران «مهرجون» (باییزی)، تا مدتی هر صبح شبنم بزند، این نشانه «ترسالی» است.

۴- ستاره «روشنو»

اگر ستاره «روشنو» از چپ قبله به کوه برود. اصطلاحاً «غرق شود» می گویند، سال پرباران خواهد شد. اگر ستاره «روشنو» در سمت «گوروا - Gurō» (کوه رو، مغرب) غروب کند، خشکسالی خواهد شد.

۵- باران قوس

معتقدند با باران قوس تخم علف به خاک می نشیند، و ریشه می دواند. و سال خوب می شود.

۶- لانه مورچه

اگر مورچه ها به دور «غال - qâl» (سوراخ لانه) خود، حصار بلند درست کنند، برای این است که می خواهند، آب داخل خانه آنها نشود، و ترسالی خواهد شد. اگر مورچه ها، خاکها و کلوخه ها را پراکنده بریزند، خشکسالی خواهد شد.

۷- روده گوسفند قربانی

اگر روده گوسفند قربانی اولش پُر باشد می گویند در بهار بارندگی زیاد خواهد شد و اگر آخر آن پُر باشد، معتقدند زمستان پرباران خواهد شد.

۸- سال میش

سال میش را سال بدی می دانند. در این باره می گویند: سال میش آنقدر آب و علف کم است که میش باید آرزو کند که ای کاش. «علفها مثل «میلال - Melâl» (مژه) های چشم باشد، تا خودم را سیر کنم.» (چازار)

و اینکه میش می گوید: «مرگم بیا، سالم نیا.»
«گوسفند گفته است که: اگر سال خودم نمیرم، دیگر هیچ سالی نخواهم مرد. (پاریز)

۹- سال گاو

سال گاو واسب و نهنگ را خوب و ترسال می دانند. می گویند: گاو دعا می کند. «علفها آنقدر بلند بشوند که بلندی آن به بلندی خوشه دُمم برسد، تا من زبانم را دور آنها تاب بدهم و درویشان کنم و بخورمشان. «ویا آنقدر برف و باران بیاید که «چله چلیو - Celeclpô» (گل و شل) باشد، چرا که گاو دوست دارد، که در آب بگردد و چرا کند. (چازار) و (رودپن خیر)

۱۰- سال پلنگ

معتقدند در سال پلنگ به کوهستان بارندگی می شود، ولی در دشت نه. به همین دلیل برای کوهستان خوب

است و برای دشتها بد.

۱۱- سال مار و موش

می گویند: سال مار با باد شروع می شود و با باد تمام می شود، همه اش باد ولی از باران خبری نیست. و سال موش سال باد همراه با گرد و خاک است و مانند سال ماری باران. می گویند: سال موش هم مانند خود موش است که برای لانه سازی دائم خاک را باد می دهد.
در «اقرچ» خبر بافت می گویند: سال موش «سردرختی» و محصول باغها خوب می شود.

۱۲- سال اسب

در «چازار» سیرجان معتقدند، اسب می گوید: «علف به اندازه پالم بیاید.» و سال اسب خوب می شود. در «اقرچ» بافت گویند: سال اسب چمنزار می شود.

۱۳- سال خوک

در «اقرچ» معتقدند: خوک می گوید: «آنقدر باران بیارد که «جنگلات» بشود، تا من بتوانم خود را در جنگل پنهان کنم.»

۱۴- سال مرغ

معتقدند سال مرغ کشت و زراعت زیاد می شود. (ایل افشار)

۱۵- سال میمون

سال میمون را بد می دانند. (جوادیة پوزة خون)

۱۶- کار بافو و کار

اگر «کار بافو - Kârbâfu» (عنکبوت، تارتنک)ها دور بوته های «جاز»^۱ تار بزنند، به طوری که در اثر کثرت، از دور نمایان بوده، و سفیدی بزند، معتقدند: سال خوب نمی شود. (ایل شول)

۱۷- خواندن عقاب

اگر عقاب در مهرجون (پائیز) سر کوهها چهچه بزند (بخواند) معتقدند سال پرباران می شود. (پاریز)

۱۸- زاروک زردو

اگر «زاروک زردو Zârûk - e zardu» (زنبور زرد) در سالی فراوان شود، معتقدند سال آینده خوب می شود. (میمنده شهر بابک)

۱۹- دو کمنده زدن سرخ و سوز

اگر «سرخ و سوز دو کمنده بزنه» (اگر رنگین کمان دو کمانه بزند) می گویند: سال در ترقی است و آن را به فال نیک می گیرند. (باغ میبد)

۲۰- زه ور کردن چشمه ها

اگر آب چشمه ها در اول مهرجون (پائیز) «زه ور کنه - Zehvarkona» و یا به عبارت دیگر «عرق

۱- «جاز» یا «درمنه» از تیره گل مینا است و از آن ماده ای به نام «سانتوین» به دست می آید که ضد کرم است. با ساقه های باریک و سخت آن جارومی سازند. (حسین گل کلاب. گیاه شناسی. تهران، ۱۳۳۹. انتشارات چهار. ص ۲۹۳.)

بیاره»، معتقدند: سال خوب می شود. (کوهستان پاریز)
منظور از «زه‌ور کردن» و «عرق آوردن» زیاد شدن آب چشمه و مرطوب شدن کناره‌های آن است.

۲۱- باد شمال

اگر در اول زمستان، باد شمال شروع به وزیدن کند، معتقدند: سال خوب می آید: (چازار)

۲۲- قوس نشان کردن

در کوهستان میمند می گویند: اگر ده روز به قوس مانده، سر «گرگو - Gerku» قسمتی از کوه «خورین»^{۱۱} را برف بگیرد، «قوس نشان کرده» و سال خوب خواهد شد.

۲۳- رمیز

اگر طرفی از فرش، و یا هر چیز پشمی و پنبه‌ای را که بر روی زمین افتاده، «رمیز - Remiz» بخورد، معتقدند: سال خوب نمی آید. (نوکن سیرجان)

۲۴- موش کور

اگر موش کور زمین را سوراخ سوراخ کند و کپه کپه خاک بیرون بیاورد، سال خوب نمی شود. (پاریز)

۲۵- موش کله

اگر موش «کله» (موشی که دم بسیار کوتاهی دارد)، روی لانه اش هیزم زیادی جمع کند و برج مانند روی هم بچیند و بالا ببرد، آن سال، سال «قوی» و «ترونی» (ترسال) خواهد شد. (ایل رایشی)

۲۶- روز گرفتن

اگر روز بگیرد (خورشید گرفتگی پیش آید) و رنگ آن قرمز باشد گویند: خونریزی و جنگ در پیش است و اگر رنگ سفید غلبه داشته باشد، می گویند: سال خوب می آید. (چازار)

۲۷- ماه گرفتگی

اگر مهتاب بگیرد و سفید رنگ باشد سال خوب می شود. و نسبت به آفتاب گرفتگی، باران زودتر می بارد. (چازار)

۲۸- آسمان غره

اگر در نوروز آسمان بغرد، سال خوب می شود. (گنژ کیستون میمند)

۲۹- فشار چفوک

اگر «چفوک - Coquk» (گنجشک) هافشار بیاورند و (حمله کنند) به خرمن گندم و جو، خشکسالی در پیش خواهد بود. (باغ میند)

۳۰- لَجم خواری و نازک چری گوسفندان

اگر گوسفندان «لَجم خوار - Lajamxâr» می کنند و از «پَسَا - Passâ» (دم) خشک و تر را بخورند و

۱۱- کوه «خورین - Xurin» در شمال غربی میمند واقع شده و ۲۶۱۰ متر ارتفاع دارد. (پوراندهخت تحلیل یحیوی. «بررسی مسائل ... روستای میمند» بررسیهای تاریخی. س ۱۳. ش ۱. ص ۱۴۴.)

در خوردن حرص و ولع غیرعادی نشان دهند علامت در پیش بودن خشکسالی است.
«لجم خوار» به گوسفندی گویند که پُرخور و همه چیزخوار باشد. خلاف «نازک چری».
گاه گوسفندان، «اَنتَسو - Entesu»^{۱۲} و «سِنِدِه غُلون - Sendeqelun»^{۱۳} و از این قبیل را، در این حالت می خوردند.

اگر برعکس، گوسفندان «نازک چری» کنند و تنها سر شاخه ها و گل گیاه را بخورند، نشانه آب و علفسالی است. (باغ مبیذ سیرجان)

۳۱- قوچ خوردن میشها

اگر اولین میش گله که قوچ می خورد (با قوچ می آمیزد، هفتگیری می کند) میش «سوز - Soz» باشد سال خیلی خوب می آید.

به میشی که سر و گوشش خاکستری رنگ و گوشش بلند باشد «سوز» گویند.

اگر اولین میش «گوزل - Guzal» باشد، سال خوب می آید.

به میش سفیدرنگی که نوک پوزه اش سیاه و گوشش بلند باشد «گوزل» گویند.

اگر اولین میشی که قوچ می خورد، «اولق - Olaq» (ابلق) باشد، سال «کله سال» (متوسط و میانه) می شود.

اگر اولین میش، میش «بور - Bur» باشد، سال خوب نمی آید.

به میشی که سر و گوشش به رنگ قهوه ای کمرنگ بوده و گوشش بلند باشد «بور» گویند. (نوک سیرجان)

۳۲- رنگ ریختن سیخُر

اگر «سیخُر - Sixor» (خار پشت بزرگ^{۱۴}) در مسیر آمد و شد خود زیاد «رنگ بریزد» (ادرار کند)، معتقدند سال حتماً خوب می آید. (ایل رائینی)

چون ادرار «سیخُر» زردرنگ است و اثر آن بر خاک باقی می ماند، به ادرار کردن آن «رنگ ریختن» گویند.

در «نوکین» سیرجان معتقدند، اگر «سیخُر» بر روی یک تخته سنگ به تمامی رنگ بریزد، سال خوب می شود و اگر بر نیمه ای از آن رنگ بریزد، سال متوسط می آید.

۱۲- نام حشره ای است.

۱۳- به آن «گاغلون - Gâqalun» نیز گویند. سرگین گردان، جعل.

۱۴- «سیخُر - Sixor» در گویش زرتشتیان یزد و کرمان، حیوانی است از جوجه تیغی بزرگتر که تیغهای بلند سیاه و سفید دارد ... در تهران «تشی - Teši» خوانند. (جمشید سروش سروشیان. فرهنگ بهدینان. ۱۳۵۶. دانشگاه تهران. ص ۱۰۶.)

استعداد انسانهای بزرگ در دیدن عظمت دیگران است.